



شهر و شهروندی

از دیرباز تائکون فلاسفه، جامعه‌شناسان و شهرسازان؛ شهر، شهروندی و شهرنشینی را از ابعاد مختلف مورد کاوش و پژوهش قرار دادند. بد نیست گذری بزَئیم به شهر و شهروندی تا به آنچه باید بدانیم دست یابیم. یگذا رد از واژه شهر آغاز کنیم. ریشه شهر از یونان باستان می‌آید و اولین بار در سال ۱۷۸۹میلادی در انقلاب فرانسه واژه شهروند به کار گرفته شد. البته این نکته حائز اهمیت است که لفظ شهروند صرفاً بر کسانی اطلاق نمی‌شود که در شهر ساکنند، بلکه یک لفظ عام است و همه مردم یک کشور شهروندان آن کشور هستند.حال اگر بخواهیم شهر، شهروندی و شهرنشینی را از ابتدای پیدایش آن تا به امروز بررسی کنیم باید سری هم به یادداشت‌ها و نوشته‌های برخی بزرگان که سخنانی حکیمانه در این باب بیان کردند بزنیم. اول از همه به سراغ مارکس می‌رویم. مارکس در میان نوشته‌هایش چیزی به نام شهر، شهرنشینی و شهروند ندارد اما در لایه‌لای یادداشت‌هایش می‌توان چیزهایی را در مورد زندگی انسان در شهر پیدا کرد. مارکس بر این اعتقاد بود که با به وجود آمدن شهرها توده‌های عظیم مردم به شهرها مهاجرت کرده و با متمرکز شدن در آن، باعث به وجود آمدن روابط اجتماعی و تمدن جدید می‌شوند. مارکس به این نکته توجه خاصی داشت که شهر جایی است که قشر کار گر می‌تواند سازمان یابد و به آگاهی دست یابد. البته وبر در کتاب معروف خویش به نام «شهر» به نکته‌ای کلیدی اشاره می‌کند که در نوشته‌های مارکس آن را نمی‌یابید. وبر می‌گوید: «شهر مکانی است که در آن شکل خاصی از یک نظام سیاسی، مدیریتی و اقتصادی وجود دارد که همه اینها به تبعیت یک قانون واحد اداره می‌شوند و به سرانجام می‌رسند. بزرگ‌ترین تفاوت شهر با روستا و محیط‌های اجتماعی کوچک‌تر، مشارکت حداکثری مردم در امور سیاسی، مدیریتی و اقتصادی آن است.»

دکتر محمد امین‌زاده جامعه‌شناس ایرانی ساکن در مازنی بر این اعتقاد است که: «شکل‌گیری دولت‌های ملی تقریباً همزمان با انقلاب‌های صنعتی بود و به یقین انقلاب‌های صنعتی غلبه سبک زندگی شهری و شهرنشینی بر زندگی روستایی بود. بنابر این فرضیه است که جوامع مدرن را بر اساس شهر و شهرنشینی تعریف می‌کنند.» آغاز روند شهرنشینی را دکتر امین‌زاده ابتدای قرن ۱۹م می‌داند درست همان زمانی که دولت‌های ملی در اروپا و بالطبع در نقاط دیگر جهان به وجود آمد. این جامعه‌شناس ایرانی ادامه می‌دهد:«با آغاز شهرنشینی در قرن ۱۹ جهان روستایی قبل از قرن ۱۹م که در آن شهرها محل سکونت نخعیگان، متمولان و طبقه حاکم بود، از بین رفته و جای خود را به محلی برای زندگی اکثر مردم جامعه داد، به همین دلیل بود که به تدریج روستاها خالی از سکنه شدند و به حاشیه شهرها رانده شدند، تا جایی که امروز می‌توان به قطع گفت شهرنشینی شکل غالب زندگی مردم شده است.»

دکتر امین‌زاده، قانونگرایی، احساس هویت ملی و کوشیدن در حفظ و نگهداری منابع ملی را از شاخصه‌های رفتار شهروندی می‌داند و در این ارتباط می‌گوید: «قانونگرایی، احساس هویت ملی و کوشیدن در حفظ و نگهداری منابع ملی از شاخصه‌های رفتار شهروندی است. شهروندان باید همیشه خود را در برابر قانون مسوول بدانند و به آن احترام بگذارند و اگر جایی برخی به قانون عمل نمی‌کنند یا با رفتارهای خویش در حال به چالش کشیدن قانون هستند باید ابراز نراحتی کرده و اعتراض کنند، چون قانون ضامن بقای شهرنشینی سالم و شهری پایدار است.» وی در ادامه می‌افزاید: «احساس هویت ملی یعنی مردم احساس کنند پیشینه و میراث مشترکی با یکدیگر دارند، یعنی احساس تعلق به کشور، دین و فرهنگ‌شان داشته باشند و بدانند با کوشیدن در حفظ و نگهداری منابع این هویت را به نسل‌های بعد هدیه می‌دهند. همان‌طور که ما از نسل گذشتهمان آن را به سلامت گرفتیم، موظفیم این امانت را به همین شکل برای نسل بعد خود به یادگار بگذاریم.»با این سخنان به این موضوع دست می‌یابیم که شهروندی و شهرنشینی شاید در بحث تئوری بتواند امکانات و شرایط خاص اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را به وجود آورد اما در عمل، شهرنشینی برنامه‌ریزی نشده، اثر منفی برای تکتک افراد جامعه به بار خواهد آورد و باعث به وجود آمدن تفاوت‌های فاحش طبقاتی می‌شود. بنابراین یکی از ارکان مهم در اداره شهر داشتن قانون مدون و قابل اجراست تا باعث بالا رفتن سطح رفاهی زندگی شهروندان شود. باید دانست که چگونگی تدوین قانون و اعمال آن می‌تواند تا حد زیادی باعث دگرگونی زندگی شهروندان شود. پس باید در تدوین و اعمال آن کمال دقت را کرد، زیرا اگر قانونی به



خطا تدوین شود یا قانونی به خطا اعمال شود می‌تواند تبعات روحی و روانی و همچنین اقتصادی و سیاسی منفی راورنگردنی بر زندگی شهروندی داشته باشد، تا جایی که می‌تواند باعث تباهی زندگی شهروندان شود. به این سان باید مسوولان شهری در تکتک ابعاد قانون شهرنشینی کمال دقت را خرج کنند تا بتوانند چیزی غیر از تهران امروز را به شهروندان خود ارائه دهند. تهران امروز از بی‌برنامگی رنج می‌برد. آیا سرعت اجرای برنامه‌ها خوب بوده‌است؟ آیا صرفاً ساختن پردیس‌های سینمایی یا ورزشگاه‌های چندین هزار نفره یا روگندرها حلال مشکلات اساسی این شهر است؟! از نظر محمد صیامی محقق و جامعه‌شناس شهرنشینی، از بزرگ‌ترین مشکلات کلاشهر تهران خانه‌های فرسوده‌ای است که در جنوب شهر بیشترین جمعیت شهر را به خود اختصاص داده است. محله‌هایی که اگر زلزله یا آتش‌سوزی در آن اتفاق بیفتد بدون شک ۸۰ درصد اهالی آن زنده نخواهند ماند و فاجعه‌ای بسیار بزرگ‌تر از بم اتفاق خواهد افتاد. اگر هم بیماری در کوچه‌های تنگ و باریک آن برای وخامت حالش به اورژانس نیاز داشته باشد، زنده ماندنش تا رسیدن به بیمارستان، پنجاه‌پنجاه است. محمد صیامی ادامه می‌دهد: «مدیریت صحیح یک شهر یعنی نبود تفاوت‌های طبقاتی، آرامش و رفاه نسبی و قدرت پس‌انداز و همین طور شادابی شهر. حال این پیش‌فرض‌ها تهران دارای کدام یک از این شاخصه‌هاست؟» وی می‌گوید تهران امروز شبیه یک شهر نیست. شما در نقاط مختلف آن زندگی‌های متفاوتی را خواهید دید. در نقطه‌ای از این شهر سرانه درآمد مردم را بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان برای یک خانواده چهارنفره می‌بینید و در نقطه دیگر سرانه درآمد مردم بین ۸۰۰ تا ۱۱۰۰ هزار تومان است و در نقطه‌ای دیگر بیش از سه تا پنج میلیون تومان. محمد صیامی ادامه می‌دهد: «در نقطه‌ای مردم در خانه‌هایی زندگی می‌کنند که هر لحظه امکان دارد روی سرشان آوار شود و در نقطه‌ای در خانه‌هایی رویایی.» از دیگر ناسامانی‌های مدیریتی شهری در تهران ساعت‌ها ماندن در ترافیک، تحمل بوق گوشخراش خودروها و صدای آگروز موتور و سرانجام شب را با صدای گوشخراش خالی شدن کامیون تیرآهن یا گودبرداری منزل مجاور گذراندن است که دلیلی واضح بر نبودن قانون و برنامه مدون شهری است. اما این تمام استرس شهرنشینی در تهران نیست. با توجه به منابع محدود و فضای اندکی که در کلاشهر تهران وجود دارد، رقابت برای به دست آوردن فرصت‌های شغلی مناسب (که اصولاً نصیب سفارش‌شدگان می‌شود)، شدید و دشوار است و این موضوع را حتی در به دست آوردن محلی برای پارک خودرو نیز می‌توان مشاهده کرد.ا یا در شهری که رفاه نسبی، شادابی، آسودگی خیال و اقتصاد پویا حاکم است، چنین چیزهایی را می‌توان دید؟ این جامعه‌شناس شهری ادامه می‌دهد: «برآدی هم به شهرداریانی نیست که شاید تنها یک سال یا کمتر از آن بر مسند شهرداری می‌نشینند، ما باید برنامه شهری‌مان را طوری تدوین کنیم که قدرت اجرایی بالایی داشته باشد و با جابه‌جایی مدیران تغییری نکند نه آنکه وقتی مدیری جابه‌جا می‌شود در کل برنامه‌های آن شهر زیر و رو شود و مدیر جدید چند ماه‌از عمر کاری‌اش را مشغول تدوین برنامه جدید بلند زیرآمدیران فرصتی برای اجرای برنامه‌ها ندارد و صرفاً وقت‌شان برای نوشتن برنامه‌ها صرف می‌شود.» شهر تهران با دارا بودن جمعیتی بیش از هشت میلیون نفر که به تنهایی ۲۰ درصد جمعیت کل کشور و حدود ۳۰ درصد جمعیت شهرهای کشور را در خود جای داده است، بدون اغراق می‌توانم بگویم که شهر کشور است.

۱۲ پد پد

خیرات نان در ماه رمضان

به تنور خیرات

برای اهل قبور

◀ الهام دانیایی

■ **نذر تنور به خاطر ارزانی**

محمدرضا می‌گوید تا جایی که به خاطر دارد تا چهار پنج سال گذشته مردم به اندازه

حالا نان خیرات نمی‌کردند.

مُتلاقیل از این سال‌ها هر پنجشنبه نهایتاً چهار تنور نان خیرات می‌دادند ولی الان پیش می‌آید که کل تنورهای روز پنجشنبه خیرات باشد.

خود علی آقا فکر می‌کند به این دلیل اخیراً نذر و خیرات نان بیشتر شده که نان از همه چیز ارزان‌تر است و با صرف هزینه نه چندان زیاد می‌توان بیشتر ثواب کرد. پسر علی آقا در پاسخ به اینکه حالا چرا از بین انواع نان‌های سنتی مردم بیشتر نان بربری را برای خیرات انتخاب می‌کنند، می‌گوید: «چون مشخص است در هر تنور نان‌های دیگر هم پختن‌شان سخت‌تر است هم نمی‌شود درست حساب کرد که هر تنور چند نان می‌دهد.»

یکی از دوستان محمدرضا که از بچگی همبازی هم بوده‌اند در جواب اینکه فکر می‌کند چرا این سال‌ها مردم بیشتر نان خیرات می‌کنند، می‌گوید: «واضح‌ترین دلیل همین است که این نوع خیرات دادن زحمت کمتری دارد و آسان‌تر است.»

او فکر می‌کند اینکه کسی که می‌خواهد خیرات بدهد فقط لازم است دست در جیبش بکند و با پرداخت مبلغ نان کل کارش تمام شود باعث می‌شود تا بتواند بارها و بارها در سال این کار را بکند و به نظرش این منطقی‌ترین دلیل است برای زیاد شدن خیرات نان در این سال‌ها.

هر تنور ۵۰قرص نان، ۵۰صلوات

پیر مرد سفید سفید است! هم از آردهایی که روی سر و صورتش نشسته، هم از گرد تجربه

و کهنسالی و هم از نور معنویت. از آن دست آدم‌هاست که می‌توان با دیدنش ناخودآگاه به یاد آسمان افتاد. حاج علی آقا حقانی را در این محله همه می‌شناسند؛ پیرمرد خوش‌قلب، هم خودش دست به خیر است و هم راه خیرات را هموار کرده. حاج علی آقا تمایل زیادی ندارد صحبت کند؛ بیشتر

دوست دارد به مشتری‌ها برسد، شاید هم می‌ترسد ریا شود. جلوی مغازه صف بلندی از مشتری‌ها شکل گرفته که دم افطار منتظر گرفتن نان هستند. در اولین روز و اولین شب جمعه ماه مبارک همه تنورهایش را خریدند تا خیرات کند. این مرد عمرش را پای تنور به همان راه و رسم پدرش گذاشته و یک عمر جلوی دخل نانوایی ایستاده و مردم زیادی از او نان صلواتی گرفته‌اند.

– **علی‌آقا، شما چند سال از داید و چند سال است در این محل نانوایی دارید و کار می‌کنید؟**
من ۵۷ سالم است. متولد ۱۳۳۲ هستم و الان حدود ۲۹ یا ۳۰ سال است اینجا نانوایی داریم و کار می‌کنیم.

– **چه ماه‌هایی و چه روزهایی در سال مردم بیشتر برای خیرات کردن تنور نان اینجا می‌آیند؟**

شب‌جمعه که معمولاً همیشه مردم می‌آیند و می‌خواهند نان خیرات کنند. به غیر از آن در ماه محرم و صفر، شب تاسوعا و ماه رمضان به خصوص در شب‌های احیا که از همه بیشتر مردم نان خیرات می‌کنند.

– **خود شما هم برای نذر دادن یا خیرات کردن نان مجانی به مردم می‌دهید؟**

بله، زیاد. تقریباً هر هفته یک تنور برای روح پدرم خیرات می‌کنم.

– **در هر تنور تقریباً چند نان جا می‌شود؟**
ما هر تنور را ۵۰ نان حساب می‌کنیم. برای اینکه چانه‌های نانی که می‌زنیم بزرگ است، برای همین در هر تنور حدود ۵۰ نان جا می‌شود.

– **معمولاً مردم پول چند تنور را برای خیرات کردن می‌دهند؟**

فرق می‌کند. یکی ۲۰ هزار تومان می‌دهد، یکی ۱۰ هزار تومان. یکی می‌گوید یک تنور می‌خواهم، یکی دیگر دو یا سه تنور می‌خواهد خیرات کند.

– **برای هر یک تنور نان خیرات مردم باید چقدر پول بدهند؟**

ما برای هر تنور نان ۷هزار و پانصد تومان می‌گیریم.

– **مردمی که می‌آیند اینجا و می‌خواهند نان**



خیرات کنند ساکن همین محله هستند یا از جاهای دیگر تهران هم مشتری دارید؟

بیشتر مردم ساکنان همین محل هستند ولی بعضی وقت‌ها مردم رهگذر هم می‌آیند نان بخرند و من به آنها می‌گویم که نان خیرات است و آنها هم مثلاً ۱۰ هزار تومان یا هر چقدر بخواهند پول می‌دهند و از من می‌خواهند برای آنها هم نان خیرات کنم. خیلی‌ها هم از این محله رفته‌اند، اما می‌آیند اینجا و پول می‌دهند و می‌گویند فلان وقت برایمان نان خیرات کن، من هم قبول می‌کنم.

– **تا به حال پیش آمده که چند تنور پشت سر هم خیرات باشند؟**

بله، زیاد این اتفاق افتاده. بعضی وقت‌ها پیش آمده که ما سه یا چهار روز پشت سر هم نان خیرات از تنور به مردم داده‌ایم. این طور که مثلاً یک نفر ۱۰۰ هزار تومان می‌دهد و فرد دیگری می‌آید ۵۰ هزار تومان می‌دهد و همین طور پشت سر هم پول می‌دهند و همین طور افراد دیگر، تا اینکه جمع که می‌کنیم می‌بینیم باید چند روز فقط نان را به صورت خیرات و نذر به مردم بدهیم و از آنها پول نمی‌گیریم. فکر می‌کنید با زیاد شدن مغازه‌های نان‌فانتزی،

مردم می‌توانند نان فانتزی هم خیرات کنند؟

خب هر کسی نیت می‌کند و یک چیزی بین مردم برای خیرات پخش می‌کند. بعضی وقت‌ها مردم شیرینی می‌خرند و پخش می‌کنند، گاهی شکلات یا خرما یا هر چیز دیگری که نیت می‌کنند. –**گفتید خودتان اعتقاد دارید و هفته‌ای یک تنور نان برای شادی روح پدرتان خیرات می‌کنید، همسر و فرزندان دیگر تان هم با این روش خیرات می‌دهند؟**

بچه‌ها اینجا نیستند. یکی (محله) فلاح است، یکی واوان است. پدرم که فوت کرده، ولی مادرم هنوز زنده است و بعضی وقت‌ها شب‌های جمعه زنگ می‌زند و می‌گوید برای پدرم نان خیرات کنم، برای اینکه از پدرم راضی بود.

– **اینجا معمولاً روزی چند نان می‌پزد؟**

نمی‌شود دقیق گفت. مثلاً الان ماه رمضان است و مردم فقط بعدازظهرها می‌آیند نان بخرند. اما از هر کیسه آرد تقریباً ۱۰۰ قرص نان در می‌آید، اگر در ۵۰ کیسه آرد مصرف کنیم حدوداً هزار قرص نان می‌فروشیم.

– **اگر خواهند نان هم بیایند و بخواهند اینجا نان خیرات کنند قبول می‌کنید؟**

هر کس اعتقاد داشته باشد و بیاید اینجا ما وظیفه‌مان را انجام می‌دهیم. قدمش روی چشم.

الهالی چهار گی‌شه تهرانی

نذر تنور

مردم آنقدر نیست که خیرات بدهند، فقط باید شکم خودشان را سیر کنند.» دختر و پسر جوانی در تقاطع اتوبان همت محله جنت‌آباد در غرب تهران، از ماشین سواری پیاده می‌شوند. پسر جوان، علیرضا مصری است که می‌گوید زیاد اهل خیرات نیست، اما پدرش زیاد خیرات می‌دهد. شبنم، دختر جوان نیز همین حرف را می‌زند. علیرضا چیزی از خیرات نان نشنیده، اما تا به حال چند بار دیده است که نانوایی‌ها نان رایگان به او داده‌اند. علیرضا فکر می‌کرده است نانوایی برای خودش خیرات می‌کند. او می‌گوید: «این شیوه خوبی است و باید به پدرم بگویم تا به جای خیرات کردن و دادن غذا به اهل محل، این نوع خیرات را هم امتحان کند. با اینکه من خودم اهل خیرات نیستم اما به نظرم راه بهتری برای خیرات است.» البته به جز نان، خیرات کردن در محل خودشان هم نان خیراتی زیاد است. به نظر می‌رسد در محله‌های جنوبی تهران، خیرات نان رسم ریشه‌دارتری است. آقای سورچی ادامه می‌دهد: «البته به جز نان، خیرات کردن شکلات یا خرما هم خوب است و ما در مغازه خودمان هم از این اجناس خیرات می‌کنیم اما چون نان خورده می‌شود و غذای ارزان قیمت مردم است، خیرات مناسب‌تری به نظر می‌رسد.»